

# مدرسه شاهزویه بسطام

## استادان و وقفنامه آن

دکتر محمدابراهیم زارعی<sup>۱</sup>  
سید هادی میرآقایی

### چکیده:

در شهر تاریخی بسطام، به سبب وجود آرامگاه امامزاده محمد، فرزند امام جعفر صادق (علیه السلام) و مرقد بایزید بسطامی، مجموعه فرهنگی - معنوی زیبایی در مرکز شهر به وجود آمده است. حاکمان سلسله های مختلف تاریخی، هرکدام با توجه به فرهنگ و معماری خویش، آثاری را بنا نهاده اند. در این مجموعه، مسجد بایزید، گنبد امامزاده، ایوان غربی، گنبد غازان خان، مناره سلجوقی و... چشم نواز هستند. یکی از این آثار تاریخی زیبا، مدرسه شاهرخیه است که منسوب به شاهرخ تیموری است. درباره پیشینه تحقیق، باید گفت تاکنون پژوهشی مستقل درباره مدرسه مزبور و استادان آن نوشته نشده است. از این رو این پژوهش قصد دارد به چند پرسش پاسخ دهد و فرضیه هایی را که درباره موسس و تاریخ تأسیس مدرسه، نوع معماری و استادان آن طرح کرده، با ارائه سند تاریخی و منابع موثق اثبات کند. همچنین کوشش شده به اهمیت مدرسه در بسطام به صورت تاریخی و تحلیلی نگریسته شود.

### کلید واژه ها :

بسطام، شاهرخ تیموری، وقفنامه، مدرسه شاهرخیه.

## مقدمه

بسطام از قرون دوم و سوم هجری به عنوان یک مرکز فرهنگی در ایالت قومس پس از شهرهای دامغان و سمنان محسوب می شده است، مهاجرت عارفانی چون احمد خضرویه و شفیق بلخی برای مصاحبت با بایزید بسطامی، و همچنین دانشمندان اهل حدیث چون ابن عساکر، ابن ماکولا و دیگران برای استماع یا املائی حدیث، دلیل آشکار این مدعا است. اگر چه در منابع تاریخی، به وجود مدرسه‌ای قبل از مدرسه شاهرخیه در بسطام، اشاره نشده، اما نمی توان به روشنی گفت که مدرسه شاهرخیه، اولین مدرسه‌ای است که در بسطام تأسیس شده است. مخصوصاً سلجوقیان که معمولاً در کنار مسجد یا مناره، مدرسه‌ای را بنا کرده‌اند. چون سلجوقیان در این شهر، آثار با ارزشی (مسجد و مناره) از خود به یادگار گذاشتند. و مدرسه شاهرخیه، در کنار مجموعه تاریخی بسطام، بنا شده است، این فرض مطرح می شود که شاهرخ تیموری بر روی بنای کهن مدرسه قبلی، دستور تجدید بنا را داده است. اگر چه تا کنون سند و منبعی برای اثبات این فرضیه یافت نشده است.

دانشمندان بومی و مهاجر نیشابور در قرن چهارم، برای اعتلای فرهنگ اسلامی و املائی حدیث، نهضت مدرسه سازی را با عشق و علاقه‌ای وافر شروع کردند و سپس، خواجه نظام الملک، این نهضت فرهنگی را با تأسیس مدارس، موسوم به نظامیه ادامه داد. شاهرخ تیموری نیز به پیروی از این امر فرهنگی، با کمک همسر فرهیخته اش، گوهرشادخانم، مدارس با شکوهی در شهرهای مهم خراسان، مانند: هرات و مشهد و... ساخت. یکی از مدارس که به دستور شاهرخ ساخته شده، مدرسه شاهرخیه شهر تاریخی بسطام است.

با توجه بدانچه که اشاره شد، پرسش های این پژوهش، این گونه مطرح است که:

۱. چه عواملی در شکل گیری این بنا تأثیر گذار بوده است؟

۲. آیا ویژگی‌های معماری مدرسه سازی دوره تیموری، مورد توجه قرار گرفته است؟

۳. موقوفات مدرسه، چه تأثیری در اداره و نگهداری آن داشته است؟  
پیشینه تحقیق، نشانگر آن است که اشاراتی در باره این مدرسه در برخی نوشته‌ها و کتب شده است. نخستین بار، اعتمادالسلطنه در سفر ناصرالدین شاه به مشهد، به توصیف مدرسه شاهرخیه پرداخته و سپس در دوره معاصر، محمد تقی مصطفوی نیز شرح مختصری در باره این بنا دارد، محمد علی مخلصی نیز در مقاله‌ای به معرفی و به همراه شرح آثار تاریخی بسطام به موقعیت و تاریخ مدرسه مزبور اشاره کرده است.

### شاهرخ و مدرسه شاهرخیه

شاهرخ در روز پنجشنبه ۱۴ ربیع الآخر ۷۷۹ق به دنیا آمد و در بیست سالگی (۷۹۹ق) به حکومت سیستان، خراسان، مازندران و ری انتخاب شد. پس از مرگ پدرش تیمور، قدرت را در دست گرفت. وی سعی فراوان کرد تا سیاه‌کاری‌ها و خراب‌کاری‌های تیمور را برطرف نماید لذا با حمایت از دانشمندان و هنرمندان و صنعتگران، باز آبادی و سرسبزی را برای ایران به ارمغان آورد.

یکی از اقدامات فرهنگی شاهرخ تأسیس مدارس در خراسان بود. برای نمونه، وی در سال ۸۱۳، مدرسه شاهرخیه را در هرات بنا کرد و دانشمندانی چون محیی‌الدین غزالی توسی و یوسف اوبهی و ناصرالدین لطف‌الله در آن به تدریس گماشته شدند و ریاست مدرسه و کتابخانه عظیم آن با خواجه علاء‌الدین چشتی بود.<sup>۲</sup> و موقوفاتی برای مدرسه معین کرد. سمرقندی درباره وقایع مدرسه، نوشته است «و نفایس کتب، مشتمل بر اصول و فروع و محتوی بر معقول و مشروع در صنادیق پرداخته و معد و مهیا ساخته»<sup>۳</sup>

هرات به این وسیله در زمان شاهرخ، بار دیگر رونق و اعتبار خود را از سر گرفت و مرکز تجمع دانشمندان و طالب علمان خراسان شد و به همت و توجه شاهرخ و

فرزندانش، مدارس آن دایر گشت و دارالعلم‌های نو بنیادی نیز ساخته شد، به طوری که شهر هرات تا سال ۸۹۷ به نهایت درجه ترقی و اعتلا رسید.

معین‌الدین اسفزاری در روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات می‌نویسد: «این شهر که برهان او بر همه عالم، روشن است آن است که منبع علوم دینی و محل ظهور و استکشاف قوانین یقینیه است، چنان که از تمامی روی زمین، طلاب علوم و صیاد حقایق و فنون، روی بدین نقطه پاکیزه دارند و چندین هزاراند از این طایفه در این بلده طیبه که به میامن صدقات و مبرات ارباب خیرات، همه اسباب، آماده دارند و شبانه‌روزی به جد و جهد و اجتهاد تمام بر سر مطالعه و تکرارند و به مطلوب خود فایز گشته به اطراف عالم می‌روند و نشر قواعد و قوانین دین اسلام می‌کنند.»<sup>۴</sup>

منابع تاریخی تصریح کرده‌اند که شاهرخ علاوه بر ساخت مدرسه، در زمینه پشتیبانی از زیارتگاه‌ها، کوشا بود. شاخص‌ترین اقدام او و همسرش ساخت مسجد گوهرشاد مشهد مقدس بود و علاوه بر مسجد مزبور، یک دارالسیاده و یک دارالحفاظ ساخت و مدرسه‌ای را بنا کرد و وقف و هدایایی برای آن در نظر گرفت که مشهورترین آنها یک قنديل طلايي زيبا بود و ديگري بازسازي زيارتگاه خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه هرات بود. وی علاقه وافری به زیارت بزرگان داشت و به طور منظم از تعدادی از زیارتگاه‌های هرات دیدار می‌کرد.

زمانی که در هرات بود، پنج شنبه‌ها به زیارتگاه خواجه عبدالله انصاری و چهارشنبه‌ها به مقبره عالم و صوفی حنفی، ابوالولید احمد هروی می‌رفت. او دوبار در سال به زیارت قبرخواجه مجدالدین طالب صوفی که با فخرالدین رازی ارتباط داشت و مولانا جلال‌الدین محمود زاهد مرغابی که قبرش به جهت کرامات، مورد احترام بود، می‌رفت.<sup>۵</sup> سمرقندی نوشته است شاهرخ در سفرهای خود نیز از زیارتگاه‌های مقدس دیدن می‌کرد. زیارتگاه‌هایی که او در مسیر غرب در میهنه، بسطام و دامغان از آنها دیدن می‌کرد، مکان‌های باسابقه‌ای بودند.<sup>۶</sup>

فصیحی یکی از مورخان است که دقیقاً به تاریخ سفر شاهرخ به بسطام تصریح و اشاره کرده است. وی در ذیل تاریخ سنه اثنین و ثلاثین و ثمانمایه (۸۳۲) نوشته است «عزیمت حضرت اعلیٰ خاقانی (شاهرخ) در روز چهاردهم رجب به تربت مقدسه جام، نزول همایون شد و زیارت شیخ الاسلام احمد دریافته در روز بیست و یکم ماه مذکور به نیشابور فرمودند و در روز دوشنبه بیست و هفتم به بحرآباد نزول همایون شد و زیارت شیخ سعدالملة والدین الحموی دریافته، صدقات به مستحقان رسانیدند و روز شنبه نهم شعبان المعظم در بسطام زیارت سلطان العارفين فرمود و به شاهرود نزول همایون شد و سه شنبه دوازدهم و یکشنبه هفدهم به سمنان و چهارشنبه پنجم رمضان المبارک به طبرک ری و در روز جمعه ۲۱ رمضان المذكور به سلطانیه نزول همایون افتاد.<sup>۷</sup>

### مشخصات معماری مدرسه شاهرخیه بسطام

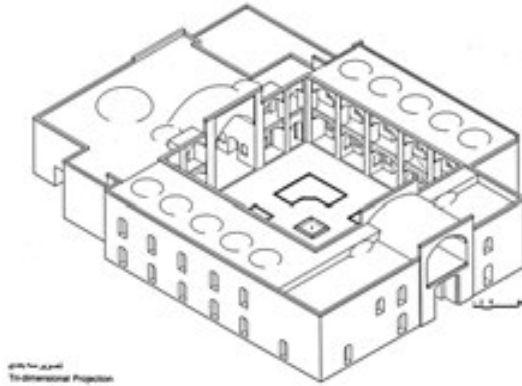
**موقعیت:** مدرسه در ضلع جنوب شرقی مسجد بایزید و در فاصله چند متری آن واقع شده است. مدرسه بنای بزرگ وسیعی است که ۱۴۰۰ متر مساحت دارد و یکی از بناهای اصلی مجموعه محسوب می‌شود، از شرق به خانه‌های اطراف منتهی می‌گردد، از غرب به محوطه حیاط و مسجد بایزید و از سمت شمال به محوطه‌ای در مقابل سردر ورودی اصلی شرقی و از ضلع جنوبی به یک کوچه شرقی و غربی محدود شده است.

مدرسه در زمان شاهرخ تیموری ساخته شده است. وجه تسمیه این مدرسه به سبب نام بانی آن، شاهرخ تیموری می‌باشد و عده‌ای هم معتقدند که بانی این مدرسه، شاهرخ نادری است و لیکن شیوه معماری و طاق‌های کللی آذری حجرات طبقه پایین که از ویژگی‌های دوره تیموری است، این ادعا را تأیید نمی‌کند. مدرسه مزبور جزء مدارس است که دارای پلان‌های استاندارد می‌باشند.

**نقشه مدرسه:** مدرسه، دارای پلان دو ایوانی است. به طور کلی صحن آن، تقریباً

به شکل مربع مستطیل است که طول آن ۱۹/۵ متر و عرض آن ۱۸/۵ متر می‌باشد. ایوان‌های این بنا در اضلاع شمالی و جنوبی آن قرار دارند. دور تا دور صحن مدرسه، حجره‌هایی به صورت دو طبقه، احداث نموده‌اند. این حجرات در طرفین ایوان‌ها با شیوه‌ای شکیل ساخته شده‌اند.

ضلع شرقی مدرسه، دو طبقه است که شامل پنج حجره که در مقابل هر یک از حجرات، ایوانی کوچک قرار گرفته است. اتاق‌های این مدرسه، تماماً یک اندازه می‌باشند. ابعاد آنها  $۳ \times ۳/۵$  متر و دهنه ایوان‌های جلوی آنها نیز ۳ متر است. طاق ایوان‌ها در طبقه پایین، کلیل آذری و قوس ایوان‌های طبقه دوم، جناغی است.



(تصویر ۱)

سقف اتاق‌ها را با گنبد‌های پخ و کم خیز با آجر پوشانده‌اند، و سطوح داخلی سقف و دیوارها را گچ‌کاری نموده‌اند. در میان هر اتاق، چهار طاقچه که در اضلاع شمالی و جنوبی به صورت قرینه ساخته شده قرار دارند. این طاقچه‌ها، دارای طاق‌های کم خیز هلالی می‌باشند. هر اتاق، دارای یک پنجره در مقابل در ورودی می‌باشد.

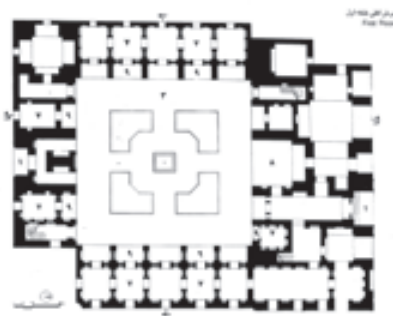
در میان ایوان جلوی حجره‌ها در طرفین در ورودی هر یک از اتاق‌ها دو طاقچه

قرار دارد که به صورت قرینه و مشابه ساخته شده‌اند و همانند طاقچه‌های داخل حجره‌ها از نظر فرم و اندازه یکی هستند. به طور کلی در ساختن اتاق‌های این مدرسه، نهایت دقت، به‌ویژه در قرینه سازی حفظ گردیده است.



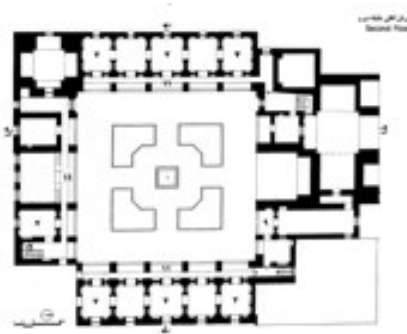
(تصویر ۲)

**طبقه اول (همکف):** طبقه اول مدرسه، دارای اتاق‌هایی است که در بالا به آن اشاره گردید فقط با این اختلاف که ایوان‌های جلوی حجره به یکدیگر راه ندارند. اما در طبقه دوم این عمل به خوبی اجرا شده است. در سه گوشه از چهار گوشه مدرسه، سه پلکان قرار دارد که برای رفتن به طبقه دوم مدرسه می‌باشد، تماماً از آجر ساخته شده، بدون تزیینات گچ‌بری و یا حتی آجرکاری است.



(تصویر ۳)

**طبقه دوم:** اتاق‌های طبقه دوم را قبلاً توضیح دادیم. در این طبقه خلاف طبقه اول، میان ایوان‌های جلوی اتاق‌ها، درگاه‌های ارتباطی وجود دارند که تمام ایوان‌ها را از طریق دری که دارای قوس هلالی کم خیز می‌باشد متصل و مرتبط می‌کند. «جبهه غربی مدرسه شاهرخیه ابتدا به صورت اتاق‌های مستطیل شکل یک طبقه به ابعاد  $۵ \times ۳/۴۰$  با طاق بلند جناغی بوده است که در چهار سال اخیر به کوشش دفتر فنی سمنان این جبهه نیز مانند جبهه شرقی به صورت دو طبقه در آمده و تمام مشخصات جبهه شرقی، در این ضلع صورت گرفته است.»<sup>۸</sup>



(تصویر ۴)

**ایوان شمالی:** در ضلع شمالی مدرسه، ایوانی عمیق و بلند آجری قرار دارد که دارای طاق جناغی می‌باشد. این ایوان، تماماً از آجر ساخته شده است و ارتفاع آن برابر با ارتفاع دو طبقه حجره‌های پیرامونش می‌باشد. در داخل ایوان، سه درگاه قرار دارد. درگاه‌های شرقی و غربی به حجره‌های پیرامون راه دارند و درگاه شمالی انتهای ایوان به مسجدی که در پشت ایوان واقع است راه می‌یابد. این ایوان فاقد تزیینات آجری و گچ‌کاری می‌باشد.

**ایوان جنوبی:** ایوان جنوبی در واقع از سری ایوان‌هایی است که به صورت باز می‌باشد به عبارت دیگر، بخش پایینی میان دهنه، به صورت یک اتاق کوچک است دو طرف این اتاق راهرو به داخل مدرسه است که امروزه از این طریق به داخل

مدرسه راه می‌یابد. طاق ایوان به صورت جناغی است. درهای ورودی مدرسه از طرف شمال و جنوب می‌باشد.

ورودی جنوبی دارای سردری بلند با قوس جناغی است که در سال‌های اخیر باز پیرایی شده است، این ورودی، امروزه در میان صحن یک حیاط است. دارای یک در چوبی از زمان اخیر می‌باشد. این قسمت از طرف بیرون، فاقد تزیینات گچ‌بری و آجرکاری بوده و بازسازی آن کاملاً مشهود است.

**سردر ورودی شمالی:** ورودی شمالی دارای سردری تقریباً بلند با طاق جناغی می‌باشد. در طرفین این سردر، دو نغول یا طاق نمای کم عمق آجری با طاق‌های هلالی قرار دارند. برای ورود به داخل مدرسه از طریق این سردر و عبور از چند پله و سپس گذشتن از یک درگاه کوچک، سپس وارد یک راهرو با طاق هلالی می‌شوند، در دو سمت شرق سردر ورودی، سه طاق نمای آجری با اندازه‌های متفاوت قرار دارند که طاق نمای انتهایی سمت شرق، باریک و بلند که دارای قوس هلالی است، اما دو طاق نمای دیگر، عریض‌تر و ارتفاع آنها نسبت به عرضشان کمتر بوده و دارای قوس جناغی می‌باشند. در سمت غرب، طاق نمای عمیق و یا به عبارت دیگر، سه طاق نما قرار دارد که در زیر طاق نمای اولی از سمت غربی مقرنس‌های گچی وجود دارد و دومی که دری چوبی در آن تعبیه گردیده، به عنوان نورگیر مسجد مدرسه است و سومی نیز به اندازه دومی می‌باشد که آن را مسدود نموده‌اند.

هر سه این طاق نماهای عمیق، دارای قوس جناغی می‌باشند و در فاصله آنها نیز جرزهای آجری تعبیه گردیده است که البته در این ضلع مدرسه قطعاً هیچ گونه هماهنگی و قرینه‌سازی رعایت نگردیده است. به نظر می‌رسد که به هنگام بازسازی در آن تغییراتی داده باشند. در این ضلع، تنها در میان سردر ورودی، آثاری از کاشی‌های فیروزه‌ای وجود دارد و احتمالاً قبل از خرابی دارای چنین تزیینی بوده که امروز بر اثر بازسازی چیزی از آن باقی نمانده است.<sup>۹</sup>

**طاق‌های مدرسه:** در این مدرسه برای پوشیدن سقف ایوان‌های جلوی حجره‌ها از دو نوع طاق استفاده شده است: ۱- طاق‌های جناغی که در ایوان‌های جلوی حجره‌های طبقه دوم استفاده شده است. ۲- طاق‌های کلیل آذری که در ایوان‌های جلوی اتاق‌های طبقه اول یا همکف مورد استفاده قرار گرفته است.

در ایوان‌ها نیز طاق‌های جناغی استفاده شده و در برخی از طاق‌نماها و طاقچه‌ها از قوس هلالی کم خیز یا هلالی کامل (دور دار) استفاده نموده‌اند.

**مسجد مدرسه شاهرخیه:** در ضلع غربی ایوان شمالی و به عبارتی در گوشه شمال غربی مدرسه، مسجدی چهار صفحه گنبددار قرار دارد که جزء مدرسه محسوب می‌گردد. این بنا در اتاق‌های ضلع شمالی و ضلع غربی واقع شده است. از یک نظر شبیه به مقبره گنبددار در ضلع غربی امامزاده محمد (علیه السلام) است. صحن داخلی مسجد به صورت چهار طاقی گنبددار می‌باشد که گنبدی روی کروی آن ایجاد کرده‌اند. سطوح دیوارها و سقف گنبد آن گچ‌کاری شده است. دارای چهار طاق (صفحه) عمیق می‌باشد. طاق اصلی آن که در ضلع شمالی قرار دارد، باز است.

دری چوبی اخیراً در آن کار گذاشته‌اند که به عنوان نورگیر مسجد است. در صفحه جنوبی، محراب گچی ساده‌ای قرار دارد که این محراب فاقد هر گونه تزئین است. در این بنا گچ‌بری‌های نسبتاً زیبایی از دوره قاجار وجود دارد.

در زیر پایه گنبد، کتیبه‌ای به صورت نوار کمربندی به خط ثلث و برجسته، آمیخته با طرح‌های اسلیمی و گل و برگ گچ‌بری شده قرار دارد که از زیبایی قابل توجهی برخوردار است. کتیبه مربوط به زمان حاکمیت فتحعلی شاه قاجار است و حاوی آیه الکرسی است و در پایان آن عبارت زیر آمده است:

«...به شرف توفیق تعمیر مسجد، مشرف شد حاجی حسن، خلف مرحوم محمد طاهر بسطامی، بنا کربلایی جعفر بن حسن... ۱۲۵۵ ه. ق.»



(تصویر ۵)

(تصاویر ۱ تا ۵ از: کتاب گنجنامه ۵/۱۰۲)

در پشت بغل قوس‌های این مسجد گچ‌بری‌هایی با طرح‌های اسلیمی برجسته وجود دارد که این گچ‌بری‌ها را در زمینه‌ای متمایل به رنگ آبی قرار داده‌اند. این عمل در هر چهار طاق مسجد به صورت قرینه انجام شده است. این کتیبه به احتمال زیاد و با توجه به تاریخ آن در زمان قاجار اضافه شده و شخصی که نام او آمد تعمیر و یا بازسازی این قسمت را انجام داده است. در بیشتر قسمت‌های بنا هم تعمیراتی در سال‌های اخیر انجام شده است. از طرفی بنا به نوشته مخلصی که در مجله اثر، عنوان نموده «به گفته معمرین بسطام، مدرسه تا سی و پنج سال پیش دایر و مرکز تحصیل علوم قدیمی بوده است لیکن با ویران شدن قسمت‌هایی از این بنا

وقتی

میراث

جاویدان

شماره

۱۶

تابستان

۱۳۹۳

۱۲۳

عملایی استفاده مانده، در سال ۱۳۵۵ هجری قمری به وسیله یکی از اهالی بسطام به نام حاجی حسن بسطامی تعمیرگردید و در سال‌های اخیر نیز این تعمیرات به وسیله دفتر فنی سمنان ادامه یافته و تعمیرات کلی خصوصا در ضلع غربی بنا داده شده است.<sup>۱۰</sup>

تاریخ ۱۳۵۵ هجری قمری اشتباه است چون کتیبه و گچ‌بری‌های زیر سقف گنبدی آن، همه از دوره قاجار است و تاریخ صحیح آن ۱۲۵۵ ه. ق است. ترنج‌هایی گچ‌بری شده در زیر سقف گنبدی، چهار بار تکرار شده و در هر چهار ترنج، سوره توحید را به نستعلیق زیبا گچ‌بری کرده‌اند. در فواصل آنها نیز در ترنج‌های کوچک‌تر نام پنج تن آل رسول (صلی الله علیه و آله) گچ‌بری شده است و خط آن را بر زمینه سیاه قرار داده‌اند. این سبک و شیوه نوشتاری، مخصوص کتیبه‌های دوره قاجار است که در مسجد بایزید، مسجد بالا سر و مسجد جامع عینا تکرار شده است.<sup>۱۱</sup>

### وقفنامه مدرسه

بر روی دیوار سمت چپ در ورودی مسجد جنب حرم امامزاده محمد (علیه السلام) تقریبا کنار در شربت‌خانه، سنگی نصب شده که وقفنامه‌ای روی آن نقر شده است. وقفنامه مزبور مربوط به مدرسه شاهرخیه است که در سال ۱۲۱۲ ه. ق نوشته شده است و تولیت و نظارت وقفنامه با حاج شیخ عباس، یکی از علمای بسطام بوده است. متأسفانه تاکنون از شرح حال وی، اطلاعی به دست نیامد.

### متن وقفنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

مخفی نماناند که عالی نسب، محمدعلی بیگ ولد طهماسب استرآبادی وقف و حبس ... طلبا لمرضات الله ... روزی که عبارت از سه قسمت باشد از آب قنات قادر

مع اراضی متعلق صحرا با ... هشت جریب زمین محوطه واقعه در سی سران و یک شبانه روز از آب شهر از قنوات و از ماء وادی و نیم روز آب با پنج جریب زمین محوطه از کلاته رحمت آباد و یک در باغ واقعه در باغستان قریه شاهرود بر مدرسه بسطام از تعمیر مدرسه و خرج طلبه و بعد از اخراج حق تولیت که خمس و عشر است و منافع باغ در مدرسه خرج تعزیه حضرت ابا عبدالله حسین (علیه السلام) است به شرط آن که اگر اولاد واقف یا اولاد اولاد و ان نزلوا فقیر شوند ذکورا لاناثا من کل الطبقة ... ملک را و خمس منفعت حق مدرس و عشر حق متولی و ناظر است چنانچه در وقف نامچه مسطور است و دیگر دو دانگ آسیای دهنه شاهرود را والده مرحوم جعفر قلی خان وقف زوار فقیر جناب حضرت امام حسین (علیه السلام) نموده است و تولیت و نظارت هر دو با عالی جناب آخوند ملا عباس و اولاد ذکور او و ان نزلوا خواهد بود. سنه ۱۲۱۲



قابل ذکر است که جعفرقلی خان قاجار، از سرکردگان قاجار، برادر و سپهدار آقامحمدخان قاجار بود. وی پسر پنجم محمدحسن خان قاجار بود. آقامحمدخان، حکومت بسطام را در ۱۱۹۶ ق یا ۱۱۹۷ به جعفرقلی خان داد. وی مدتی حکومت بسطام را در دست داشت.<sup>۱۲</sup>

ضمنا وقفنامه دیگری سمت چپ در ورودی امامزاده محمد (علیه السلام)، نصب است که متن آن نوشته زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف و الضمان على و بعد قربة الى الله تعالى وقف صحيح شرعى نمود و تأیید دستگاه حاجی عبدالله همگی و تمامی مجرای یک بلوک آب از قنات زیرآباد و قنات... الوادی واقعه در بسطام را که وجه اجاره و... آن را سال به سال صرف و خرج تنقیه و تعمیرات ضروری قنات... در دهم محرم صرف تعزیه... کتبه ابن محمد شفیع محمد بسطامی سنه ۱۲۳۶



## شرح حال چند تن از استادان مدرسه شاهرخیه

شهر بسطام در دوره ایلخانی مورد توجه غازان خان و اولجایتو قرار گرفت. این مسأله، موجب شد که شاهان تیموری نیز به مجموعه بناهای بسطام و به‌ویژه مدرسه آن توجه نمایند. علمای بسطام در این مدرسه به تدریس علوم اسلامی پرداخته‌اند که ما مختصر به شرح حال چند شخصیت برجسته، اشاره خواهیم کرد.

**شیخ علی بسطامی، معروف به مُصَنَّفَك:** شیخ علی بن مجدالدین بسطامی، مشهور به مُصَنَّفَك در سال ۸۰۳ ه. ق در بسطام متولّد شد. تذکره نویسان علّت ملقب به مُصَنَّفَك را این گونه شرح داده‌اند: «چون در نوجوانی شروع به تألیف کتاب کرد، به این لقب مشهور شد.»<sup>۱۳</sup>

بسطامی، یکی از نوادگان امام فخر رازی است به این صورت که محمود یکی از نوادگان فخر رازی در هرات تحصیل کرد و به حجاز سفر کرد و از حجاز به بسطام آمد. مردم بسطام به او عزّت و احترام گذاشتند زیرا از سیمای او سیمای فخرالدین رازی دیده می‌شد. وی با مطالعه در کتب و تتبع در پژوهش گذشتگان شهرت علمی‌ای کسب کرد. او فرزندی به نام مسعود داشت که با وجود تحصیل علم و کوشش زیاد، اما به مرتبه علمی پدرش نرسید و به وعظ و سخنرانی پرداخت و در همان بسطام ماند و به شهر دیگری مهاجرت نکرد. فرزندی از او به نام محمّد به یادگار ماند او نیز علوم متداول عصر خود را فرا گرفت ولی شهرت علمی پیدا نکرد. فرزند او نیز مجدالدین محمّد پس از کسب علوم، دانشمندی مشهور شد که امام و پیشوای مردم گردید. فرزند او به نام علی مشهور به مولانا مصنفک پس از تحصیل دانش شهرت عالم‌گیری پیدا کرد. وی در نه سالگی در سال ۸۱۲ با برادرش به هرات رفت و در محضر دانشمندان هرات حاضر شد و به کسب دانش مشغول شد.<sup>۱۴</sup>

مصنفک در کتاب «تحفة المحمودیه» از سه استاد خود به بزرگی یاد می‌کند که عبارتند از: مولانا جلال الدین یوسف اوبهی و محمود امامی هروی و عبدالعزیز

بن احمد بن عبدالعزيز ابهری.<sup>۱۵</sup> مصنفک در ۳۸ سالگی از هرات به شهرهای مختلف از جمله به بسطام سفر کرد و در مدرسه شاهرخیه این شهر تدریس کرد و برخی کتب خود را در این مدرسه نوشت. بسطامی در ۴۲ سالگی به ممالک روم و سپس به قونیه رفت.<sup>۱۶</sup>

تذکره نویسان، تعداد تألیفات بسطامی را حدود چهل اثر ذکر کرده‌اند. ما در زیر فقط به ذکر آثاری می‌پردازیم که در مدرسه شاهرخیه بسطام، نوشته است:

۱. شرح قصیده برده در ۳۵ سالگی؛ مصنفک در تاریخ ۱۸ رمضان سال ۸۳۶ آن را در مدرسه شاهرخیه بسطام به پایان رسانده است.<sup>۱۷</sup>

۲. شرح قصیده روحیه ابن سینا در ۳۵ سالگی؛ وی شرح این قصیده را نیز در سوم صفر سال ۸۳۷ در مدرسه شاهرخیه بسطام به پایان رسانده است.<sup>۱۸</sup>

۳. شرح «وقایة الروایة فی مسایل الهدایة» که برهان الشریعه محمود فرزند صدرالشریعه اول از علمای سده هفتم در فروع فقه حنفی برای عبیدالله بن مسعود (متوفی ۷۴۵) - نوه دختری خود- نوشته است و مصنفک این شرح را در سال ۸۳۴ در بسطام نوشت و در ادرنه ترکیه پاکنویس کرد.<sup>۱۹</sup>

۴. شرح بر «المفتاح العلوم» سکاکی (متوفی ۶۲۶) که مصنفک در سال ۸۳۰ در هرات شروع به تألیف کرد و در سال ۸۳۲ در بسطام به پایان رساند.<sup>۲۰</sup>

**خادم بسطامی:** یکی دیگر از استادان مدرسه شاهرخیه، خادم بسطامی است که در قرن یازدهم هجری زندگی می‌کرده است. ملیحای سمرقندی (۱۰۶۰-۱۱۰۴ق) یکی از تذکره نویسانی است که شرح حال وی را نوشته است. وی در سفری که به شهر بسطام داشته است با وی و برادرش ملاقات کرده است. او در این باره نوشته است: «خادم بسطامی در سر مزار پر نور کامل السرور سلطان الاتقیاء سلطان بایزید -عیله الرحمه والغفران- به مکتب داری مشغول است. مکتبش دارالتعلیمی بود که از جوانان نوخاسته جوش پری می‌نمود. در مکتبی بدین خوبی که رشک مکان حورالعین است و شبیه بهشت برین مشارالیه منصب رضوان داشت و خود

را به حضرت بزرگوار نسبت می‌داد و به جاروب کشی آن روضه الصفا و بقعه الضیا مداومت می‌نمود. سمرقندی در ادامه نوشته است: «در تاریخ هزار و هشتاد و نه (۱۰۸۹) بیگاه عید شهر رجب المرجب بود که در آن جا مقام کرده شده بود. از جمله حریفان و رفیقان محمدخادم مذکور و محمد تقی، برادر مشارالیه - که ذکرش عن قریب می‌آید- بودند و از جمله اشعار خود آن چه به رسم یادگار نوشته داده بود، این است:

کلامی در فصاحت به زخاموشی نمی‌باشد      کم از مار دو سر انشای سرگوشی نمی‌باشد  
به قدر احتیاج امیدوارم زآن که می‌دانم      کریمان را ز درویشان فراموشی نمی‌باشد  
چنان نالیده ام در پستی طالع که می‌دانم      غبارم را به گردون میل همدوشی نمی‌باشد  
به این افسردگان تیغ زبان کی کارگر گردد      محال است این که خون مرده رزق نیشتر گردد<sup>۲۱</sup>

**لطیف بسطامی:** نویسنده، شرح حال وی را جز در کتاب «مذکر الاصحاب» در منبع دیگری نیافت. سمرقندی نوشته است: «لطیف از بسطام است. محمد تقی نام دارد و برادر خادم بسطامی است - که ذکرش گذشت - هر دو به اتفاق به تعلیم اطفال در سر مزار فیض الانوار شیخ نامی سلطان بایزید بسطامی مقیدند. هر دو شاعر می‌باشند و از جمله اشعار اوست:

بیا که چشم تر و روی کهربا اینجاست      دل چوآینه صاف با صفا اینجاست  
نشسته‌ای تو، به عیش نشاط بر مسند      تن ضعیف من [و] نقش بوریا اینجاست  
گل از خجالت روی تو در خوی خجالت      به خون نشسته دلم پای از حنا اینجاست  
به هیچ جای دگر دل نمی‌نشیند از آنک      نگاه گرم تو آش می‌کشد که اینجاست  
اگر به ناز خرامی به سوی گمشدگان      نیاز ناز تو جان ها به مرجبا اینجاست  
به طاق ابروی جانان، قسم که محرابی است      عبادتی که بود موجب رضا اینجاست  
لب شیرین تو هر گه که شکر می‌ریزد      طوطی اندر شکرستان تو پر می‌ریزد  
دل که یک قطره خون بیش نباشد زکجا      این همه بر سر هم سخت جگر می‌ریزد<sup>۲۲</sup>

**میر مطلب بسطامی:** آقا میر مطلب بسطامی، یکی از فقها و فلاسفه بسطام است



شد و مدت چهار سال در سامرا از محضر میرزای شیرازی فیض وافی برد. ۲۴ و سپس به نجف اشرف مشرف شد و مدت هشت سال در آن شهر از محضر آیات عظام: آیت الله سید محمد اصفهانی و حبیب الله رشتی صاحب «بدایع الافکار» و آخوند خراسانی، صاحب کفایه بهره برد. وی پس از دریافت درجه اجتهاد به بسطام مراجعت کرد. و پس از آن به مشهد مقدس عزیمت نمود و به تدریس و انجام وظایف دینی خویش پرداخت. در اواخر عمر مجدداً به موطن خویش، بسطام مراجعت و به انجام موعظه و ارشاد و تدریس پرداخت. وی انسانی وارسته و زاهد بود و بیشتر اوقات را به تفکر می پرداخت و در میان مردم به سادگی می زیست. ۲۵ از جمله خدمات آقا سید میر مطلب بسطامی تدوین تقریرات درس اصول آخوند خراسانی است که قبل از تدوین کتاب «کفایة الاصول» آخوند خراسانی انجام پذیرفت.

از آثار دیگر ایشان کتاب «مشاهد سبع» یا «ریاض العقول» است که مشتمل بر مباحث فلسفی و اسفار نفسی است. این کتاب به کوشش آیت الله سید محمد باقر طاهری شاهرودی، نوه دختری آقا میر مطلب بسطامی با تعلیقات در سال ۱۳۵۶ شمسی چاپ شد. بسطامی گذشته از مقامات علمی، صاحب کشف و کرامات بود، از جمله این که در اواخر عمر در ماه مبارک رمضان در مسجد خود مشغول موعظه و ارشاد بود که به ناگاه سرائر و بواطن مردم پای منبر بر وی مکشوف شد و مردم را به صورت های مختلف دید و پس از آن دیگر به مسجد و منبر نرفته و کنج خلوت و انزوا اختیار کرد تا این که در سال ۱۳۵۹ ه. ق ندای حق را لیک گفته و از این جهان رخت بر بست. ۲۶ وی در مدرسه شاهرخیه، حوزه درسی تشکیل داد که فضلا و محصلین از گوشه و کنار آمده و از آن وجود مبارک بهره مند گردیدند. ۲۷

**شیخ محمد معروف به فاضل بسطامی:** شیخ محمد، معروف به فاضل بسطامی از استادان میرز مدرسه شاهرخیه بسطام بود و مدتی در این مدرسه به تدریس مشغول بود. این شخصیت را نباید با نوروز علی، فاضل بسطامی، مولف کتاب

وقف

میراث

جویدان

شماره

۸۶

تابستان

۱۳۹۳

۱۳۱

فردوس التواریخ اشتباه گرفت. شخصیت اخیر در کودکی با خانواده از بسطام به مشهد مقدس مهاجرت کرد.<sup>۲۸</sup>

برخی محققان تصریح کرده‌اند که آیت الله سید محمود شاهرودی (۱۳۰۰-۱۳۹۴ق) در عنفوان جوانی برای تحصیل مقدمات علوم اسلامی از روستای آقا عبدالله به مدرسه شاهرخیه آمد و مدتی در این مدرسه، شاگرد بسطامی بود.<sup>۲۹</sup> بسطامی، سپس به مشهد مقدس مهاجرت کرد و از علما و مدرسین معروف حوزه علمیه مشهد شد و بسیاری از علمای مشهد و قم و نجف از محضر علمی وی بهره و استفاده بردند. یکی از شاگردان وی آقا شیخ عبدالوهاب برادر آقا شیخ عبدالرزاق است. وی در محضر آقا شیخ محمد فاضل بسطامی و آقا سید جعفر شهرستانی و حاج آقا حسین قمی درس خواند.<sup>۳۰</sup> بسطامی، مدتی نیز از طرف آیت الله کفایی، متولی مدرسه سعدیه (پایین پای) مشهد مقدس بود. علاوه بر آن، وی جزء انجمن ایالتی خراسان و سیستان بود و فعالیت سیاسی و اجتماعی داشت.



از راست به چپ: محمدعلی میرزا - حاج شیخ محمد کاظم تهرانیان - حاج شیخ عبدالرحیم

مجتهد عیدگاهی - حاج شیخ ذبیح الله قوچانی مجتهد - شاهزاده ارفع السلطان حاج شیخ حسن کاشفی (کاشی مجتهد) - فاضل بسطامی - میرزا علی محمد ترشیزی  
(انجمن ایالتی خراسان و سیستان)

شیخ عبدالرسول حسنی بسطامی: آقا شیخ عبدالرسول فرزند عالم پرهیزکار، ملا فضل الله بسطامی در سال ۱۲۹۰ ه.ش در بسطام متولد شد. جدش ملا نورمحمد از اعظم شاگردان سید محمد باقر شفتی (متوفی ۱۲۶۰ق) معروف به حجت الاسلام بود.<sup>۳۱</sup>

بسطامی، پس از تحصیل در حوزه علمیه بسطام و حوزه علمیه شاهرود (مدرسه بازار) در سال ۱۳۰۹ ش برای تحصیل به قم عزیمت نمود. ادبیات را از مرحوم شیخ ابوالقاسم نحوی و حجت الاسلام ادیب تهرانی و سطوح را از محضر حاج شیخ علی اصغر صالحی کرمانی و آیت الله العظمی نجفی مرعشی و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت الله حاج میرزا شهاب همدانی و آقا شیخ حسین گیلانی و حاج شیخ مهدی مازندرانی فرا گرفته و از درس خارج مرحوم حضرات آیات عظام حجّت و خوانساری استفاده نمود.<sup>۳۲</sup>

از هم دوره‌های ایشان می‌توان به آیت الله العظمی مکارم شیرازی و علامه شهید مطهری اشاره کرد. بسطامی پس از دوازده سال اقامت در قم در سال ۱۳۲۱ ش به بسطام، مهاجرت نمود و در این شهر به امر تبلیغ دین مشغول گردید.

آیت الله سبحانی، در توصیف خلق و خوی این عالم ربانی (قریب به این مضمون) فرمودند: ایشان از اخلاق محمدی برخوردارند.<sup>۳۳</sup>

وی تا پایان عمر با برکت خویش به عنوان عالم بزرگ شهر، مطرح بود و ضمن اقامه نماز جماعت در مسجد جامع شهر به ایراد سخنرانی‌های ارزشمند که سرشار از پند و اندرز و موعظه بود می‌پرداخت. یکی از اقدامات ارزنده و فراموش نشدنی ایشان، احیا و بازگشایی مجدد حوزه علمیه بسطام (مدرسه شاهرخیه) بود که با نام «مدرسه باقرالعلوم» به حیات علمی خود ادامه داد و جان تازه‌ای گرفت و طلبه‌های

زیادی از اطراف روستاهای بسطام به تحصیل پرداختند.  
امام خمینی (رحمت الله علیه) در فرمانی در سال ۱۴۰۵ قمری، وی را فرد موثق  
خود در امور حسبیه و اخذ و صرف سهم امام معرفی کرده است. ۳۴



۱۳۴

موقوفات

مدرسه شاهرخیه بسطام، استادان و وقفنامه آن

آیت الله شیخ عبدالرسول حسنی که در صحن امامزاده محمد (علیه السلام) شهر بسطام بر  
پیکر شهید محمد حسین رضایی نماز می خواند. (سال ۱۳۶۴)

حاج شیخ علی توحیدی بسطامی: حاج شیخ علی توحیدی در سال ۱۳۱۶ ه. ق  
در بسطام دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در موطن خویش و شهرستان  
شاهرود، سپری ساخت و سپس به مشهد مقدس، عزیمت نمود. مدت هفت سال  
از درس مرحوم آقازاده بزرگ آخوند و مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین  
قمی بهره برد و سپس به قم عزیمت نمود و مدت یک سال از محضر مرحوم  
حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاده نمود. سپس برای تکمیل مدارج عالی  
به نجف اشرف مشرف گردید و در طول مدت شانزده سال اقامت در آن دیار از  
محضر حضرات آیات عظام نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن

اصفهبانی و دیگران کسب فیض نمود. ایشان بعد از نیل به درجه اجتهاد به زادگاه خویش بازگشت و به انجام تکالیف شرعی و تبلیغ دین و تدریس پرداخت. ۳۵

آیت الله حاج شیخ علی توحیدی در کمالات اخلاقی و سلوک عملی، زبانزد خاص و عام بود. وی در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶ ه.ش دعوت حق را لبیک گفت و به ملکوت اعلی پیوست. یک روز بعد بر حسب وصیت خودش، پیکرش را به مشهد مقدس منتقل کردند و در مقبره چهارم صحن آزادی حرم مطهر، دفن شد. ۳۶

**حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین روحانی:** وی فرزند حاج شیخ عباس است که در سال ۱۳۲۵ ه.ش دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۴۱ پس از رحلت پدر برای کسب فیض از محضر علمای عراق به نجف اشرف مهاجرت کرد و تا سال ۱۳۵۸ در آن شهر اقامت داشت.

از استادان معروف او می توان به شهید آیت الله محمد باقر صدر، آیت الله خویی، شیخ مجتبی لنگرانی و حضرت امام خمینی اشاره کرد. سه ماه قبل از بازگشت به ایران، حزب بعث عراق، او را به دلیل حمایت از امام خمینی (رحمت الله علیه)، در نجف دستگیر نمود و پس از سه ماه زندانی آزاد کرد.



**حجت الاسلام والمسلمین روحانی اولین امام جمعه بسطام**

روحانی پس از بازگشت به ایران در شهر خوانسار اقامت گزید و تا سال ۱۳۶۲

در حوزه علمیه آن شهر به تدریس مبادرت ورزید. سپس به مدت پنج سال در حوزه علمیه قم به تدریس ادامه داد. در سال ۱۳۶۷ به شاهرود برگشت و مدت شش سال در حوزه علمیه و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس پرداخت. از سال ۱۳۷۳ تا پایان عمر، مسئولیت امام جمعه بسطام را بر عهده داشت. علاوه بر مسئولیت مذکور، حوزه علمیه بسطام (مدرسه شاهرخیه) را سر و سامان داد و به آن رونق بخشید تا سرانجام در ۱۳۸۰ یکی از مدارس علمی نمونه کشور شناخته شد. روحانی پس از عمری تلاش و خدمت در تاریخ ۱۳۸۰/۷/۱۵ ندای حق را لبیک گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد و در مقابل مدرسه شاهرخیه به خاک سپرده شد.<sup>۳۷</sup>

### نتیجه گیری

شخصیت و مقبره بایزید، موجب شکل گیری بناهای متعددی شد که از جمله آنها، مدرسه شاهرخیه است که موسس آن، شاهرخ تیموری می باشد. در معماری مدرسه، می توان ویژگی های عصر تیموری را به وضوح مشاهده کرد. مساحت این مدرسه ۱۴۰۰ متر است. استادان بزرگی چون مصنفک بسطامی، خادم بسطامی، آیت الله حسنی و ... در آن به تدریس پرداختند و شاگردانی در این مدرسه، علوم مقدماتی را کسب کردند که در آینده از مراجع تقلید و بزرگان کشور شدند مانند: آیت الله شاهرودی، فاضل بسطامی و ... و برخی از تألیفات مشاهیر بسطام، در این مدرسه نوشته یا استنساخ شده است. مانند برخی تألیفات مصنفک بسطامی و کتاب «معرفت التقویم شمسی» محمدحسین بسطامی که محمد جعفر بسطامی، آن را در سال ۱۲۵۵ق در این مدرسه با خط نستعلیق، استنساخ کرده است. این مدرسه تا سال ۱۳۵۲ شمسی یک طبقه بود ولی در سال مزبور از سوی میراث فرهنگی، یک طبقه به آن افزوده شد و هم اکنون، یکی از مدارس دینی فعال استان سمنان شناخته می شود.



وقف  
میراث  
جویدان  
شماره  
۱۶  
تابستان  
۱۳۹۳  
۱۳۷

## پی‌نوشت‌ها:

۱. استادیار دانشگاه ابوعلی سینا همدان.
۲. حبیب السیر، ج ۲، ص ۷
۳. مطلع السعدین و مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۷۸
۴. روضات الجنات فی تاریخ مدینه هرات، ص ۲۱۵
۵. قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری، ص ۳۰۲
۶. مطلع السعدین و مجمع البحرین، ج ۲، ص ۶۳۲
۷. مجمل فصیحی، ج ۲، ص ۲۶۴
۸. مجموعه بناهای مذهبی بسطام، محمد ابراهیم زارعی، پایان نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده) ۱۳۷۱، صص ۲۳۲-۲۴۰
۹. همان، ص ۲۴۱
۱۰. فصلنامه اثر، ش ۳، ۴ و ۲ (تابستان، پاییز و زمستان ۱۳۵۹)، ص ۲۴۲
۱۱. مجموعه بناهای مذهبی بسطام، ص ۲۴۳
۱۲. شرح حال رجال ایران، ج ۱، صص ۲۵۰-۲۵۲
۱۳. الشقائق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة، ص ۱۴۹
۱۴. مفتاح السعادة، ج ۱، ص ۱۷۴؛ شرح حال و زندگی و مناظرات امام فخرالدین رازی، ص ۴۱
۱۵. مفتاح السعادة، ج ۱، ص ۱۷۷
۱۶. بسطام نامه، صص ۱۶۷-۱۶۹
۱۷. فهرست کتابخانه اهدایی محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۱۱۷
۱۸. کشف الظنون، ج ۶، ص ۱۵۴۴
۱۹. فهرست کتابخانه مجلس، ج ۹، ص ۱۳۴۷
۲۰. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۱۱۷
۲۱. مذكر الاصحاب، ص ۱۵۱
۲۲. همان، ص ۳۲۷
۲۳. ریاض العقول، ص ۱
۲۴. گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۱۳۰
۲۵. ستارگان آسمان فقاہت، ج ۱، ص ۳۳
۲۶. دانشمندان اسلامی، ص ۲۳۴
۲۷. بسطام نامه، صص ۷۰-۲۶۹
۲۸. همان، صص ۱۹۸-۲۲۰
۲۹. شرح حال آیت الله شاهرودی، ص ۳۴
۳۰. بسطام نامه، صص ۸-۲۶۶
۳۱. گنجینه دانشمندان، ج ۳، ص ۲۰۳
۳۲. ستارگان آسمان فقاہت، ص ۸۱
۳۳. همان، ص ۸۲
۳۴. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۴
۳۵. سیمای استان سمنان، ج ۳، ص ۹۶
۳۶. مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ص ۸۲
۳۷. ستاره‌ای بر کرانه خاک، صص ۱۱۷-۱۱۸

## منابع:

۱. تاریخ آداب اللغة العربيه، جرجی زيدان، مصر، ۱۹۱۴
۲. تاریخ ادبيات در ايران، دکتر ذبيح الله صفا، انتشارات فردوس، ۱۳۶۳
۳. حبيب السیر، غياث الدين خواندمير، خيام، تهران، ۱۳۵۳
۴. روضات الجنات، معين الدين محمد اسفزاری، تصحيح محمد کاظم امام، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸
۵. روضة المذنبين و جنة المشتاقين، احمد جام، تصحيح على فاضل، انتشارات بنياد فرهنگ ايران، ۱۳۵۵
۶. رياض العقول، آيت الله سيد محمد باقر طاهري شاهرودي، مشهد مقدس، چاپخانه حيدري، ۱۳۵۶
۷. زبدة التواريخ، حافظ ابرو، تصحيح سيد کمال حاج سيد جوادى، تهران، نشرنى، ۱۳۷۲
۸. ستاره‌ای بر کرانه خاک، سيد هادی میرآقايی، مشهد، رستاخيز اندیشه، ۱۳۸۵
۹. ستارگان آسمان فقاها، غلام رضا مولانا، ميراث قلم، ۱۳۸۹
۱۰. شمس الشموس، احتشام کويانى، بى جا، ۱۳۵۴
۱۱. الشقائق النعمانية فى علماء الدولة العثمانية، عصام الدين احمد طاش كبرى زاده، تصحيح سيد محمد طباطبايى، كتابخانه موزه و مركز اسناد مجلس، ۱۳۸۹
۱۲. صحيفه نور، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، جلد نوزدهم، چاپ سوم زمستان، ۱۳۷۹
۱۳. فهرست نسخ خطى كتابخانه ملى، انوار عبدالله، ۱۳۸۲
۱۴. فهرست كتابخانه اهدايى محمد مشكوة به كتابخانه دانشگاه تهران، على نقى منزوى، دانشگاه تهران، ۱۳۳۰
۱۵. فهرست كتابخانه مجلس، عبدالحسين حائرى، ۱۳۴۶
۱۶. فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه‌هاى تركيه، توفيق سبجاني، نشر دانشگاهى، ۱۳۷۳
۱۷. قدرت، سياست و مذهب در ايران عهد تيمورى، منز بئاتريس فوربز، ترجمه دکتر جواد عباسى، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسى، ۱۳۹۰
۱۸. كشف الظنون، كاتب چلبى، تصحيح محمد شريف الدين، رفعت بيلگه، ۱۳۶۲ق
۱۹. گنجينه دانشمندان، محمد شريف رازى، كتابفروشى اسلاميه، ۱۳۵۲
۲۰. مطلع السعدين و مجمع البحرين، عبدالرزاق سمرقندى، تصحيح محمد شفيح لاهور، كتابخانه گيلانى، ۱۳۶۰-۱۳۶۸

۲۱. مجمل فصیحی، فصیحی خوافی، تصحیح محمود فرخ، مشهد، کتابفروشی باستان، ۱۳۴۱
۲۲. مذکر الاصحاب، محمدبن بدیع بن محمد شریف سمرقندی ملیحای سمرقندی، تحقیق و تصحیح دکتر محمد تقوی، کتابخانه تهران، ۱۳۹۰
۲۳. مفتاح السعادة، طاش کبری زاده، نشر العربی، قاهره، ۱۹۹۳ میلادی
۲۴. مقاله «شهر بسطام و مجموعه تاریخی آن»، نویسنده: محمد علی مخلصی، فصلنامه اثر، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ش ۲، ۳ و ۴، ۱۳۵۹
۲۵. مقاله «هنرپروری و هنروری در دوره شاهرخ»، نویسنده: یعقوب آژند، نشریه تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران، ش ۳، ۱۳۸۱
۲۶. مقاله «فعالیت‌های عمرانی تیموریان در دوره سلطنت شاهرخ میرزا (۱۴۰۵م-۱۴۴۷)»، نویسنده: اسماعیل آکا، ترجمه: اکبری صبوری، رشد آموزش تاریخ، دوره دوازدهم، ش ۴، ۱۳۹۰
۲۷. مقاله «مأخذ شناسی اسلامی»، نویسنده: سید کاظم روحانی، کیهان اندیشه، شماره ۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۵
۲۸. مقاله «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران»، نویسنده: رکن الدین همایون
- فرخ، مجله هنر و مردم، ش ۵۰، آذر ۱۳۴۵
۲۹. نفحات الانس، تصحیح دکتر محمود عابدی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰
۳۰. وفيات العلماء یا دانشمندان اسلامی، حسین جلالی، (بی تا)، مشهد مقدس، چاپخانه خراسان
۳۱. هدیه العارفین، اسماعیل پاشا بغدادی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۵ ق